

بررسی تاثیر نوسانات قیمت نفت بر واردات کالاهای مصرفی، واسطه ای و سرمایه ای

عباس رضا زاده کارسالاری^۱

فرشاد مطلبی^۲

سید موسی محمدی^۳

چکیده

در این مطالعه به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر واردات کالاها به تفکیک واسطه ای، مصرفی و سرمایه ای پرداخته می شود تا چگونگی نوسانات و تغییرات واردات نسبت به تغییرات درآمدهای نفتی روشن و مشخص شود؛ لذا از متغیرهای درآمدهای نفتی (مهم ترین متغیر توضیحی تحقیق) و ارزش کالاهای وارداتی مصرفی، واسطه ای و نهایی (به عنوان متغیرهای وابسته) و نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت کالاهای صادراتی استفاده می شود که داده های مربوط به درآمدهای نفتی و قیمت های نسبی (نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت کالاهای صادراتی) از سایت بانک مرکزی و داده های مربوط به ارزش کالاهای وارداتی مصرفی، واسطه ای و نهایی، از سایت گمرک ایران برای سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۲ گردآوری شده اند.

کلید واژه گان: تکانه های نفتی، اقتصاد ایران، روش هم انباشتگی جوهانسون، نفرین منابع.

مقدمه

درآمد های حاصل از فروش نفت در کشور های صادر کننده آن، نقش عمده ای در افزایش رونق و رفاه عمومی این کشورها دارد. در کشورهای صادرکننده نفت درآمد های نفتی به عنوان تامین کننده بخش بزرگی از بودجه های عمومی محسوب میشوند و هر گونه کاهش غیر منتظره آن میتواند به طور مستقیم بر بوجه دولت تاثیر گذاشته و در غیاب سیاست های صحیح اقتصادی منجر به بحران و عدم تعادل های اقتصادی شود. در بیشتر کشورهای صادر کننده نفت درآمد های نفتی بخش بزرگی از بودجه دولت را تشکیل می دهند و وابستگی بودجه دولت به درآمد های نفتی بسیار بالا است افزون بر این بودجه دولت سهم بسزایی در ترکیب تقاضای کل اقتصاد دارد. بنابراین بودجه دولت و هزینه های آن یکی از مهمترین کانال های اثر گذاری تکانه های نفتی بر تقاضای کل هستند و در صورت فقدان مکانیزم هایی جهت با ثبات سازی بودجه دولت، تکانه های نفتی بودجه دولت را به شدت تحت تاثیر خود قرار خواهند داد.

^۱. مدرس گروه مدیریت و حسابداری؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابداری تفرش.

^۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابداری تفرش.

^۳. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابداری تفرش.

کشورهایی که مالک منابع طبیعی تجدید ناپذیر هستند با فرصت های اساسی و همچنین با خطرهای بزرگی مواجه هستند. درآمدهای حاصل از منابع طبیعی تجدید ناپذیر با انتخاب سیاستهای اقتصادی و صنعتی، تنظیم و توالی آنها با زنجیره ی ارزش های جهانی، حمایت از این با ملاحظات مالی، ظرفیت نهادی مناسب و حضور در جامعه ی مدنی می تواند عاملی برای رشد اقتصادی پایدار و توسعه ی اجتماعی باشد. تجارب بین المللی می گوید که سیاستها، توالی و تنظیمات اشتباه و چشم پوشی از مسائل مربوط به ظرفیت جذب و نظارت خوب، می تواند رونق حاصل از درآمد منابع طبیعی را به نفرین تبدیل کند که منجر به کاهش رشد اقتصادی، بدتر شدن فقر و بی ثباتی سیاسی شود.

ادبیات تحقیق

درآمدهای نفتی در برخی از کشورهای صادر کننده نفت اولین منبع درآمد محسوب می شود. در برخی کشورهای صادرکننده مانند عربستان ، کویت و قطر سهم این درآمدها از کل تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۵۰ درصد می باشد (میری ۱۳۸۵). به همین علت تکانه قیمت نفت مهم ترین تکانه در اینگونه کشورها محسوب میشود. تغییرات قیمت نفت اثرات کاملا متفاوتی بر کشورهای صادر کننده نفت ، با توجه به شدت وابستگی و ساختار اقتصادی آنها دارد . سرعت و میزان تطبیق با شوکها در بین کشورهای مختلف یکسان نیست و برخی اقتصادها به زمان زیادی برای تطبیق نیاز دارند . این موضوع عاملی برای تفاوت رشد اقتصادی در بین کشورهای صادر کننده نفت می باشد. بخش نفت در اکثر کشورهای صادر کننده دولتی بوده و درآمدهای نفتی متعلق به دولت می باشد. همچنین درآمدهای حاصل از صادرات نفت معمولا سهم عمده ای از بودجه این کشورها را به خود اختصاص می دهد به همین سبب شوکهای نفتی باعث می شوند تا درآمدهای ارزی کشورهای صادر کننده نفت افزایش یابد. بنابراین در اولین نگاه به نظر می رسد که شوک نفتی پیامد مثبتی برای کشورهای صادر کننده آن به همراه دارد. اما بررسی ها نشان می دهد در صورتیکه این درآمدهای ارزی بادآورده به درستی اداره نشوند ورود آنها به اقتصاد کشورها در بلند مدت آثار منفی شدیدی بجای می گذارد . هدف مطالعه حاضر بررسی میزان تاثیر تکانه درآمدهای نفت بر متغیرهای حقیقی در اقتصاد ایران می باشد.

در طی چهل سال گذشته ایران از لحاظ توسعه ی اقتصادی افت کرده است، و نسبت به کشورهایی با شرایط مشابه افت داشته است، در بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ ایران از لحاظ اقتصادی جلوتر از کشورهایی نظیر ترکیه و کره جنوبی بود، و این رشد به آرامی ادامه داشت تا سال ۱۹۸۰، و از این کشورها پیش بود، رشد کم اقتصاد ایران، بعنوان مالک ذخایر بزرگی از سوختهای فسیلی مانند نفت و گاز، قابل توجه است. به نظر می رسد که درآمدهای صادراتی حاصل از منابع طبیعی باید یک مزیت برای ایران باشد در مقایسه با کشورهایی بدون فراوانی منابع طبیعی. در صورتیکه مطالعات خلاف این امر را در ایران نشان می دهد.

اتکا به تجارت خارجی از جمله عواملی که تأثیر به سزایی در رشد اقتصادی اکثر کشورهای در حال توسعه دارد. بعلاوه وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای صادراتی و واردات مورد نیاز جهت پی ریزی صنعتی، تجارت خارجی نقشی اساسی در رشد اقتصادی این کشورها دارد.

افزایش مداوم قیمت نفت اگرچه دست و دل بازی و ولخرجی دولت را افزایش داده، به طوری که هر هزینه ای را به راحتی می پردازد و هر جا احساس کمبودی بکند که قابل تجارت باشد، به راحتی اقدام به واردات می کند، ولی برای مردم افزایش مداوم تورم و سختی تهیه مایحتاج شان را رقم زده است. مجموعه تحولات در این حوزه، فضایی را ایجاد کرده است که اخبار جدید افزایش قیمت نفت، نگرانی مردم از افزایش فشار تورمی را در پی دارد. با افزایش تورم وارداتی کالاهای خارجی ناشی از افزایش قیمت نفت به تورم داخلی، شادمانی مردم از اخبار افزایش قیمت نفت در بازار جهانی، جای خود را به نگرانی داده است. برای اغلب مردم افزایش تورم در کشورهای صنعتی مصرف کننده عمده نفت، امری طبیعی و قابل درک است ولی پذیرش تورم دو رقمی قیمت کالاها و سخت تر شدن زندگی در کشوری تولیدکننده نفت مثل ایران کمی سخت و غیر واقعی به نظرشان می رسد.

درآمدهای نفتی بخش اعظم درآمدهای صادراتی کشورهای صادر کننده نفت را تشکیل می دهد. نفت منبع اصلی درآمد برای دولت ها می باشد. افزایش درآمدهای نفتی که از فروش بیشتر نفت حاصل می شود، مخارج عمومی دولت ها را افزایش می دهد. مصرف درآمدهای نفتی برای تقویت زیر ساختها از طریق دولت منجر به افزایش چشمگیر مصرف و بالا رفتن استاندارد زندگی در اقتصادهای نفتی از طریق توسعه خدمات عمومی شده است. رشد سریع اقتصادی و سیاست های توسعه ای در همه بخش های اقتصادی منجر به توسعه چشمگیر بخش خدمات عمومی در اغلب کشورهای در حال توسعه شده است. افزایش قیمت نفت منجر به افزایش مخارج دولت ها، عرضه پول، تقاضای کالاها و خدمات و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی می شود. سهم بالایی از درآمد ملی وابسته به درآمدهای حاصل از منابع تجدید ناپذیر است اما مهمتر از آن توانایی مدیریت دولت در اثرات حاصل از رونق منابع طبیعی است. خیلی از کشورها هم اکنون به طور فعال برای افزایش درآمد حاصل از منابع طبیعی آماده هستند و تشخیص نمی دهند که این طرح ها خطر را افزایش می دهد که در اثر اسراف و اشتباه در درآمد ایجاد می شود و منجر به رکود اقتصادی و ناپایداری سیاسی می شود. مدیریت درآمد حاصل از منابع طبیعی تجدید ناپذیر برای تصمیم در مورد اینکه چه مقدار و چه وقت هزینه و ذخیره کنیم ضروری است، هزینه کردن برای پاسخ به این سوال به منظور جلوگیری از توقف در مخارج عمومی، رونق مبتنی بر استقرار خارجی ناپایدار، اثرات بیماری هلندی، تغییر جهت به سمت مصرف به جای سرمایه گذاری مولد، افزایش نرخ ارز، رانت جویی، فساد و بازدارندگی از سرمایه گذاری بخش خصوصی است و سوال پس انداز در کوتاه و میان مدت پایداری بودجه ی مالی را به همراه دارد، و پس انداز بلند مدت برابری میان نسل ها را به همراه دارد.

طبق آنچه شواهد تجربی نشان می دهد، می توان گفت: تجارت خارجی از طریق واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای نرخ رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را افزایش داده است. طبق مطالعات انجام شده، قیمت نسبی کالاهای سرمایه ای در کشورهای توسعه یافته، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، ارزانتر می باشد. بنابراین کشورهای در حال توسعه می توانند با واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای ارزانتر از کشورهای توسعه یافته، زمینه رشد اقتصادی بیشتر را فراهم آورند.

موضوع واردات و ترکیب کالاهای وارداتی و تاثیر آن بر توازن پرداخت ها و صنایع داخلی یکی از مباحث کارشناسان بوده و از این رو بر مدیریت واردات تاکید می گردد. بررسی بیست قلم عمده کالاهای وارداتی نشان می دهد کالاهای واسطه ای به لحاظ وزن و ارزش حائز رتبه اول بوده و به لحاظ کاربرد آنها در تولیدات داخلی و نهایتاً صادرات نوید حرکت نوین در بخش صنعت را می دهد معهداً شرایط کالاهای سرمایه ای متفاوت است زیرا به نسبت حجم اندک در واردات از ارزش بالاتری برخوردارند و متوسط قیمت کالاهای سرمایه ای نسبت به کالاهای واسطه ای و مصرفی بیشتر است و این امر نشات گرفته از جایگاه ممتاز صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه ای در پهنه تجارت جهانی بوده است. از سوی دیگر برخی از کالاهای استراتژیک کشاورزی نظیر گندم و جو طی سال های مورد بررسی جزو بیست قلم کالاهای عمده وارداتی قرار گرفته و روند صعودی می پیماید و تغییر جایگاه این گونه کالاها در رده بندی واردات کشور از عدم استراتژی مشخص و مدون در سیاست های کشاورزی خبر می دهد.

تجزیه و تحلیل داده ها

در تجزیه و تحلیل مسائل کلان و سیاست گذاری اقتصادی، بررسی تابع تقاضای واردات، اهمیت خاصی در شناخت الگوی اقتصاد کلان و اثربخشی و کارایی سیاست های بازرگانی کشور دارد. به همین جهت، یکی از مسائل عمده و قابل طرح در زمینه واردات کالاها، بررسی عوامل مؤثر بر واردات (کل، واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی) است. تجربه بسیاری از کشورهای جهان نشان می دهد که حضور در بازارهای جهانی و بهره گیری از مزیت های تجارت خارجی، راهگشای توسعه اقتصادی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر بوده است. در کشور ما، به دلایل مختلف از جمله دسترسی آسان به منابع ارزی حاصل از صدور نفت خام، انحصار صدور نفت از سوی دولت و انجام بخش عمده تجارت خارجی به وسیله دولت و نیز انحصارهای وابسته به آن، بخش تجارت خارجی، متناسب با نیازهای زمان توسعه نیافته، در نتیجه، مشکلات گوناگون پدید آمده است. بروز این مشکلات و تشدید احتمالی آنها به سبب کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در آینده، باعث افزایش توجه مسئولان کشور به بخش بازرگانی خارجی شده است. برای اتخاذ یک استراتژی توسعه اقتصادی، به خصوص صنعتی، لازم است بخش تجارت خارجی و سیاست های تجاری مورد توجه و دقت بیشتری قرار گیرد. تنها در سایه شناسایی بافت و ساختار بازرگانی خارجی کشور است که می توان استراتژی توسعه صنعتی و اقتصادی را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد. بدین منظور در این مطالعه، به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر واردات کالاها به تفکیک واسطه ای، مصرفی و سرمایه ای پرداخته می شود تا چگونگی نوسانات و تغییرات واردات نسبت به تغییرات درآمدهای نفتی روشن و مشخص شود.

با توجه به مطالب مذکور در بخش قبل، در این مطالعه از متغیرهای درآمدهای نفتی (مهم ترین متغیر توضیحی تحقیق) و ارزش کالاهای وارداتی مصرفی، واسطه ای و نهایی (به عنوان متغیرهای وابسته) و نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت کالاهای صادراتی استفاده می شود که داده های مربوط به درآمدهای نفتی و قیمت های نسبی (نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت کالاهای صادراتی) از سایت

بانک مرکزی و داده های مربوط به ارزش کالاهای وارداتی مصرفی، واسطه ای و نهایی، از سایت گمرک ایران برای سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۲ گردآوری شده اند.

در این مطالعه به دلیل عدم وجود مبانی نظری قوی در مورد تاثیر درآمدهای نفتی بر واردات از مدل VAR برای تخمین ضرایب و تحلیل نتایج بهره می گیریم. متدولوژی خودرگرسیون برداری توسط سیمز در سالهای ۱۹۷۲، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ به عنوان جایگزینی برای الگوهای کلان سنجی با روش دستگاه معادلات همزمان معرفی گردید. پیدایش این رویکرد رقیب، همزمان با انتقاداتی بود که به متدولوژی سنتی اقتصاد سنجی وارد شده بود. در الگوهای خودرگرسیون برداری، به تصریح روابط ساختاری کوتاه مدت از روابط علی میان متغیرهای الگو نیازی نمی باشد؛ به ویژه در زمانی که اطلاعات کامل و دقیقی از عملکرد دنیای واقعی یا عوامل تعیین کننده الگو در دست نباشد، توسل به الگوی خودرگرسیون برداری اجتناب ناپذیر است.

همانطور که اشاره شد، در مدل های VAR یکی از مشکلات اساسی تعیین وقفه بهینه است؛ به طوری که تعیین نادرست وقفه بهینه نتایج تحقیق را می تواند شدیداً تحت تاثیر قرار دهد. بدین منظور در این قسمت با استفاده از آزمون های مختلف به تعیین وقفه بهینه می پردازیم. بدین منظور و برای افزایش دقت، از چندین آزمون بهره می گیریم که این آزمون ها عبارتند از: آزمون نسبت راست نمایی (LR)، خطای پیش بینی نهایی (FPE)، آکائیک (AIC)، شوارتز-بیزین (SB) و هنان کوئین (HQ).

برای بررسی مانایی متغیرها از سه آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس-پرون (PP) بهره می گیریم. اگرچه بکارگیری رویکرد باند در شرایطی که ترکیبی از متغیرهای مانا $I(0)$ و نا مانا با انباشتگی درجه یک $I(1)$ مورد مطالعه باشند، امکان پذیر است، اما همانطور که اواتارا^۱ (۲۰۰۴) اذعان دارد چنانچه درجه انباشتگی برخی از متغیرهای مدل بزرگتر از یک (به عنوان مثال $I(2)$) باشد، مقادیر بحرانی باند معتبر نیستند؛ لذا ضروری است قبل از انجام آزمون هم انباشتگی، درجه انباشتگی متغیرها تعیین شود. چنانچه مشاهده تمامی متغیرها در سطح نامانا هستند و با یک بار دیفرانسیل گیری مانا می شوند. بدین ترتیب با توجه به اینکه تمامی متغیرها از درجه هم انباشتگی یکسانی برخوردار هستند می توانیم از آزمون یوهانسون برای بررسی وجود یا عدم وجود روابط بلند مدت استفاده کنیم.

با بهره گیری از این آزمون می توانیم به وجود روابط بلند مدت و ساختگی نبودن رگرسیون پی ببریم. برای آزمون هم انباشتگی یوهانسون ابتدا باید مدل تصحیح خطا تخمین زده شود و سپس با استفاده از رتبه ماتریس π و آماره های λ_{π} و λ_m ، تعداد روابط هم انباشتگی را به دست آورد. پس ابتدا به طور اجمالی مدل تصحیح خطا را بیان کرده و سپس آزمون هم انباشتگی یوهانسون برای تشخیص تعداد روابط هم انباشتگی بیان می شود (Enders, 2004). در روش یوهانسون هدف تخمین مدل تصحیح خطا و سپس به دست آوردن رتبه ماتریس π می باشد. تعداد روابط هم انباشتگی در واقع همان رتبه ماتریس π می باشد. روش یوهانسون در دو مرحله به صورت زیر می باشد (Enders, 2004).

بطور کلی ابتدا با استفاده از آزمون دیکی فولر، مانایی متغیرهای مدل بررسی می شود. اگر متغیرها مانا باشند، طبق تعریف بین آنها رابطه هم‌انباشتگی وجود ندارد. برای حصول شرایط رابطه هم‌انباشتگی، تمامی متغیرها باید دارای رتبه انباشتگی یکسان باشند. بطور مثال همگی دارای یک ریشه واحد و یا دو ریشه واحد باشند. اکثر متغیرهای اقتصادی دارای یک ریشه واحد می‌باشند. بعد از اینکه مطمئن شدیم متغیرها همگی نامانا هستند و همگی تعداد ریشه واحد یکسانی دارند باید مدل تصحیح خطا را تخمین بزنیم. اما برای تخمین مدل تصحیح خطا ابتدا باید یک مدل خودرگرسیون برداری تخمین زده و تعداد وقفه‌های بهینه را محاسبه کنیم. برای این کار از معیار انتخاب مدل بهینه آکاییک استفاده می‌کنیم.

مفهوم هم‌انباشتگی^۱ برای نخستین بار توسط گرنجر (۱۹۸۰)^۲ به ادبیات اقتصاد سنجی معرفی شد. هم‌انباشتگی به وجود ارتباط بلندمدت میان متغیرهای اقتصادی اشاره دارد. چنانچه متغیرها هم‌انباشته باشند، بدین مفهوم است که در طول زمان با همدیگر حرکت می‌کنند؛ بگونه‌ای که اختلالات کوتاه مدت در بلندمدت تصحیح می‌شوند. همانطور که گرنجر (۱۹۸۱) اذعان دارد، در صورتیکه سری‌های زمانی با یک بار تفاضل‌گیری مانا شوند یا به عبارتی دیگر انباشته درجه یک باشند این امکان وجود دارد که ترکیبات خطی از آنها وجود داشته باشد که بدون تفاضل‌گیری مانا باشد؛ در ادبیات اقتصادسنجی به چنین سری‌های زمانی هم‌انباشته^۳ گفته می‌شود. پس از آنکه درجه انباشتگی متغیرها تعیین شد، گام بعد بکارگیری آزمون‌های هم‌انباشتگی جهت شناسایی ارتباط بلندمدت میان آنها است. همانطور که لی بورن و نیولبد^۴ (۲۰۰۳) اذعان دارند، آزمون‌های سنتی هم‌انباشتگی از قبیل انگل و گرنجر^۵ (۱۹۸۷) و یوهانسن^۶ (۱۹۸۸) برای داده‌های سری زمانی مفید هستند، اما در خصوص داده‌های ترکیبی از تحریف و عدم تناسب بالایی برخوردارند. به همین دلیل، روش‌های هم‌انباشتگی مربوط به داده‌های ترکیبی در سال‌های اخیر به ادبیات اقتصادسنجی معرفی شدند. چنانچه مشاهده شد در هر ۳ مدل حداقل ۲ رابطه بلند مدت وجود دارد، در نتیجه هیچ یک از رگرسیون‌های ما برای کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و نهایی ساختگی نمی‌باشند. پس از آزمون‌هایی مانایی و هم‌انباشتگی و مشخص شدن مقدار وقفه بهینه، به تخمین مدل‌های مورد نظر می‌پردازیم.

نتیجه تخمین مدل VAR برای واردات کالاهای مصرفی، چنانچه مشاهده می‌شود یک شوک منفی درآمدهای نفتی منجر به افزایش واردات کالاهای مصرفی در کوتاه مدت می‌شود و اثر این شوک در بلند مدت از بین می‌رود، به طوری که واردات کالاهای مصرفی در بلند مدت به روند قبلی خود باز می‌گردد. یک شوک منفی درآمدهای نفتی باعث افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی می‌شود که تحت شرایط برقراری شرط مارشال

1 - Cointegration

2 - Granger

3 - Cointegrated

4 - Leybourne and Newbold

5 - Engle and Granger

6 - Johansen

لرنر، نتیجه این امر افزایش صادرات و کاهش واردات است. چنانچه مجموع کشش تقاضای واردات و صادرات بزرگتر از یک نباشد، در کوتاه مدت شاهد افزایش واردات خواهیم بود که این امر به دلیل ارزان شدن نسبی کالاهای وارداتی نیز می باشد.

یک شوک منفی قیمت های نسبی منجر به کاهش واردات کالاهای مصرفی در کوتاه مدت می شود ولی در بلند مدت اثر این شوک از بین می رود. با کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی، در واقع کالاهای وارداتی ارزان شده اند اما از آنجایی که این کاهش قیمت های نسبی همراه با کاهش درآمدهای نفتی بوده است، مقدار ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای مصرفی تامین نمی شود. نتایج تخمین معادلات برای واردات کالاهای واسطه ای نشان می دهد با توجه به نمودارهای تکانه-واکنش، یک شوک منفی درآمدهای نفتی در کوتاه مدت منجر به کاهش واردات کالاهای واسطه ای می شود اما در بلند مدت اثر این شوک از بین می رود و واردات کالاهای واسطه ای به روند قبلی خود باز می گردد. دلیل چنین فعل و انفعالاتی نیز کاهش ارزش پول ملی است که با برقراری شرط مارشال لرنر در بخش کالاهای واسطه ای، در نهایت منجر به کاهش صادرات شده است. کاهش قیمت های نسبی (یک شوک منفی در قیمت های نسبی) منجر به ارزان شدن کالاهای وارداتی می شود که نتیجه این امر افزایش نسبی در واردات کالاهای واسطه ای است. به دلیل اینکه در ایران صنایع مادر وجود ندارد و اکثر نیازمندی های کشور از طریق واردات برطرف می شود، ارزان شدن نسبی کالاهای وارداتی بیشتر بر روی کالاهای وارداتی واسطه ای تاثیر می گذارد و منجر به افزایش واردات کالاهای واسطه ای می شود و چنانچه در بحث کالاهای وارداتی مصرفی مطرح گردید، این شوک منفی در نهایت باعث کاهش واردات کالاهای مصرفی شده است که مقدار ارز آزاد شده از این کاهش واردات، صرف افزایش واردات کالاهای واسطه ای شده است. چنانچه در بخش بعدی خواهیم دید این شوک منفی در قیمت های نسبی منجر به آزاد شدن مقداری ارز از ناجیه کالاهای نهایی نیز می شود می شود که از این مازاد ارز برای واردات کالاهای واسطه ای استفاده می شود. یک شوک منفی درآمدهای نفتی منجر به افزایش واردات کالاهای نهایی شده است. دلیل این امر را می توان در عدم برقراری شرط مارشال-لرنر جستجو نمود. بدین ترتیب که کشش عرضه و تقاضای واردات کوچکتر از یک است و کاهش درآمدهای نفتی که با افزایش ارزش پول ملی همراه است، در کوتاه مدت به دلیل برقرار نبودن شرط مارشال-لرنر منجر به افزایش واردات کالاهای نهایی شده است که در بلند مدت به روند قبلی خود باز می گردد که البته دلیل این امر را نیز همانند حالت اول می توان در ارزان شدن نسبی کالاهای وارداتی نیز جستجو کرد. همچنین یک شوک منفی در قیمت های نسبی در این قسمت نیز منجر به کاهش واردات کالاهای نهایی شده است که همانند تحلیل ارائه شده برای واردات کالاهای مصرفی، ارزان شدن کالاهای وارداتی با کاهش درآمدهای نفتی همراه بوده است و ارز آزاد شده از کاهش واردات کالاهای نهایی در واردات کالاهای واسطه ای مصرف شده است.

نتیجه گیری

بطور خلاصه مشاهده گردید، یک شوک منفی در درآمدهای نفتی منجر به افزایش واردات کالاهای مصرفی و نهایی و کاهش واردات کالاهای واسطه ای می شود. همچنین ارزان شدن کالاهای وارداتی نیز تاثیر نامتقارنی بر واردات کالاهای مصرفی، واسطه ای و نهایی داشته است به طوری که یک شوک منفی در قیمت های نسبی، منجر به کاهش واردات کالاهای مصرفی و نهایی شده است در حالی که این شوک واردات کالاهای واسطه ای را افزایش داده است. هر سه نوع کالا یعنی واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی نسبت به تغییرات درآمد ارزی حاصل از نفت حساسیت نشان می دهند و این، حاکی از آن است که سیاست های وارداتی ما تحت تاثیر درآمدهای نفتی بوده است.

منابع

- [1] Akin Iwayemi and Babajide Fowowe, 2011. "Impact of oil price shocks on selected macroeconomic variables in Nigeria", *Energy Policy* 39, 603–612.
- [2] Amany El-Anshasy and Michael D. Bradley and Frederick L. Joutz, 2006. "Oil Prices, Fiscal Policy, and Venezuela's Economic Growth".
- [3] Auty, R. (1990). 'Resource-based industrialisation: sowing the oil in eight developing countries', New York:Oxford University Press.
- [4] Cover, J. p. (1992), Asymmetric Effect of Positive and Negative Money- Supply Shocks. *Quarterly Journal of Economics*, Nov. 1261-1282.
- [5] Devlin, J. and Lewin, M., 2004. "Managing oil booms and busts in developing countries", draft chapter for: managing volatility and crises. A Practitioner's Guide.
- [6] Farzanegan.M and Markwardt, G (2009), the effects of oil price shocks on the Iranian economy, *Energy Economics*, No31, P 134–151.
- [7] Kandil, M. (2000), "The Asymmetric Effects of Exchange Rate Fluctuations: Theory and Evidence from Developing Countries," IMF Working Paper WP/00/184.
- [8] Karras, K. (1996a), why are the effects of money – supply shock Asymmetric? Convex Aggregate supply or "Pushing on a string"? *Journal of Macroeconomics*, Vol.18, No.4 pg. 605 619.
- [9] Mohsen Mehrara, 2008. "The asymmetric relationship between oil revenues and economic activities: The case of oil-exporting countries", *Energy Policy* 36, 1164–1168.
- [10] Sachs, J. D. and Warner, A. M. (1997). 'Natural resource abundance and economic growth – revised version', Working Paper, Harvard University.

- [۱] ابریشمی حمید. مهرآرا، محسن، غنیمی فرد، حجت ا...، کشاورزبان مریم، اثرات نامتقارن قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشورهای OECD. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۳، صفحات ۱۶-۱ سال ۱۳۸۷.
- [۲] کمیجانی اکبر، اسدی مهماندوستی. الهه (۱۳۸۹)، سنجشی از تأثیر شوک های نفتی و سیاست های پولی بر رشد اقتصادی ایران، *مجله تحقیقات اقتصادی* (دوره: ۴۵، شماره: ۳)
- [۳] گسگری، ریحانه، اقبالی، علیرضا، حلافی، حمیدرضا، بی ثباتی صادرات نفت و رشد اقتصادی در ایران، *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران*، شماره ۲۴، صفحات ۷۷-۹۴ سال ۱۳۸۶.
- [۴] مهرآرا محسن. میری، اعظم السادات، رابطه میان درآمدهای نفتی و ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت: ایران، مکزیک، ونزوئلا، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۰، صفحات ۲۰۶-۱۸۳، ۱۳۸۹.

[۵] وظیفه دوست، حسین؛ زرین نگار، ندا، ۱۳۸۷، اثرات واسطه ای برنامه های توسعه صادرات (EPP) بر عملکرد صادرات شرکت ها (FEP)، بررسی های بازرگانی، شماره ۳۳، صفحات ۳ تا ۱۳.

Abstract

In this study we examine the impact of oil revenues on imports of intermediate goods, consumption and investment. And specify import changes to changes in oil revenues. The variable oil revenues (the most important explanatory variable) and the value of imported consumer goods, intermediate and final (the dependent variable) and the ratio of export prices to import price index in Iran during the period 1985-2013. The results show that a negative shock in oil revenues led to increased imports of consumer goods and intermediate goods are final and reduce imports. The cost of imported goods, asymmetric impact on imports of consumer goods, intermediate goods and final goods. So that a negative shock in relative prices, leading to a decline in imports of consumer goods, while the shock is final and intermediate goods has increased. All three types of intermediate goods, capital and consumer goods show sensitivity to changes in foreign currency earnings from oil and this suggests that our foreign policy has been influenced by oil revenues.

Keywords: Oil shocks, the Iranian economy, import, Johansen cointegration method, the resource curse.